

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific

علمی

توسط: mahmood_gholinejad

فرستنده: فرید پرواز

۰۳ فبروری ۲۰۱۵

می توانند مردم را متقاعد کنند

که به جرمی که مرتکب نشده اند، اعتراف کنند



شواهد نشان می دهند که می توان طوری از مظنونین بازجوئی کرد که آنها به جرمی که مرتکب نشده اند اعتراف کنند و حتی خودشان هم باورشان شود که مرتکب جرم شده اند. تحقیقات جدید آزمایشگاهی روی این قضیه صورت گرفته است. تحقیقات ثابت کرد که بزرگسالان بی گناهی که در این تحقیق شرکت داشتند ، بعد از یک دوره چند ساعته متقاعد شدند که در دوران نوجوانی خود مرتکب جرمهای جدی مثل آدم کشی با اسلحه شده اند! می توان مردم را متقاعد کرد که به جرمی که مرتکب نشده اند اعتراف کنند !

روند کار به این شکل بود که شرکت کنندگان در این تحقیق شروع به درونی کردن داستانهائی که به آنها گفته می شد می کردند و بعد از چند ساعت توصیف دقیقی از اتفاقی که نیفتاده بوده و جرمی که مرتکب نشده بودند ، ارائه می دادند.

روانشناسانی که این کار تحقیقی را انجام داده اند. می گویند که: خیلی نمی توان به اعترافاتی که پولیس از متهمین می گیرد اعتماد کرد. به طوری که اعترافات نادرست حتی ممکن است جزئی تر و حتی به پیچیدگی اعترافات حقیقی باشند.

از شرکت کنندگان خواسته شد که در یک محیط مصاحبه کاملاً دوستانه ۳ ساعته یک خاطره غیرواقعی را با جزئیات کامل در ذهن خود ساخته و آن را تعریف کنند. در یک کار تحقیقی بزرگ، روانشناسان با مددکاران دانشجویان شرکت کننده در این تحقیق تماس گرفتند و از آنها خواستند که پاسخنامه ای را پر کنند و حوادث خاصی را که ممکن است برای دانشجویان شرکت کننده در سنین ۱۱ تا ۱۴ سال اتفاق افتاده باشد، ذکر کنند. از آنها خواسته شد این حوادث و تجربیات را با جزئیات کامل بیان کنند. از این مددکاران خواسته شد که در مورد سؤالات با دانشجویان بحث نکنند.

برای این کار تحقیقی ۶۰ دانشجویی که هیچ کدام از جرمهای مشخص شده در پاسخنامه را مرتکب نشده بودند، انتخاب شدند. این شرکت کنندگان در ۳ مصاحبه ۴۰ دقیقه‌ای که به فاصله یک هفته برگزار شد، شرکت کردند.

در این تحقیق و در اولین مصاحبه محققان در مورد دو اتفاقی که دانشجوی شرکت کننده در نوجوانی تجربه کرده بود با او صحبت کردند. تنها یکی از آن اتفاقات در واقعیت اتفاق افتاده بود. برای بعضی از آنها اتفاقی که نیفتاده بود مربوط به جرمی بود که در ارتباط با پولیس بود مثل دزدی و آدمکشی. برای بقیه این اتفاق نیفتاده ماهیت احساسی داشت مثل صدمه زدن به خود یا از دست دادن پول زیاد.

داستانهای مربوط به اتفاقی که در زندگی این دانشجویان نیفتاده بود همراه با جزئیاتی از زندگی این دانشجویان مخلوط شده و به آنها ارائه می شد. این جزئیات را مددکاران به اطلاع محققان رسانده بودند.

از شرکت کنندگان خواسته شد که در مورد آن دو اتفاق با جزئیات صحبت کنند. وقتی که شرکت کننده مورد نظر در مورد صحبت کردن در مورد واقعه غیر واقعی با مشکل مواجه می شد از او خواسته می شد که تمام سعیش را بکند. محققان به او می گفتند که اگر در مورد او از ستراتیژیهای خاصی استفاده شود او می تواند چیزهای بیشتری را به یاد آورد.

در دومین و سومین مصاحبه، محققان باز هم از شرکت کنندگان خواستند که تا جایی که به یاد می آورند در مورد هر دو اتفاق غیرواقعی و واقعی صحبت کنند. شرکت کنندگان این وقایع را توصیف می کردند به طوری که گویی آنها را به وضوح در ذهن دارند و در مورد آنها مطمئن هستند.

<http://negar-online.ir/wp-content/uploads/2015/01/0.jpg>



نتیجه این کار تحقیقی شگفت انگیز بود.

از ۳۰ شرکت کننده ای که به آنها گفته شده بود در نوجوانی مرتکب جرم شده اند، ۲۱ نفر (۷۱٪) متقاعد شده بودند که مرتکب جرم شده اند. آنها جزئیات کامل این اتفاقات غیر واقعی را هم ذکر می کردند. در مورد اتفاقات احساسی هم درصد بالایی از شرکت کنندگان در مورد جرایم احساسی غیر واقعی اعترافات کامل کردند. محققان عقیده دارند که وارد کردن جزئیات واقعی مثل نام دوستان فرد آن واقعه غیر واقعی را برای فرد آشناتر و باورکردنی تر می کند.

نتیجه مهمی که از این تحقیق می گیریم این است که در چنین موقعیتی حافظه تجدید شدنی جاذب الخطای انسان با یک واقع گرائی غیر قابل باور، خاطراتی از چیزهایی که برای انسان اتفاق نیفتاده به یادش می آورند. همانطور که دیدید در این تحقیق شرکت کنندگان توصیفی واضح و جزئی از جرایمی که مرتکب نشده بودند، ارائه دادند. هر چند تفاوت‌هایی بین خاطره شرکت کنندگان از وقایع واقعی با خاطره آنها از حوادث غیر واقعی وجود داشت. برای مثال آنها وقتی خاطره خود را تجربیات واقعی خود تعریف می کردند با اطمینان بیشتری صحبت می کردند و جزئیات بیشتری را ذکر می کردند.

این یافته ها در امر بازجویی از مجرمان و در رویه قضاوت بسیار مهم هستند. این یافته ها تا حدی دیدگاه قانونگذاران و جرم‌شناسان را تغییر خواهد داد. از طرفی روانشناسان در مصاحبه های درمانی خود باید این یافته ها را بعد از این در نظر بگیرند.

دانستن این موضوع که این خاطره های غیر واقعی پیچیده وجود دارند و یک فرد معمولی می تواند به راحتی آنها را در ذهنش بسازد، اولین قدم برای جلوگیری از ساخته شدن این خاطرات است. بعد از این که در این کار تحقیقی مضرات تکنیکهای بد مصاحبه به صورت تجربی درک شد، (منظور تکنیکهایی است که منجر به ایجاد خاطرات غیر واقعی می شوند) مصاحبه کنندگان قانع شده اند که از تکنیکهای خوبی برای مصاحبه استفاده کنند.

تگ ها: [آزمایش روانشناسی آزمایش پلیسی تشخیص جرم از روی روانشناسی داستان های علمی ذهن تبهکاران](#)

[روانشناسی افراد تبهکار پیش بینی جرم](#)

[می توان مردم را متقاعد کرد که به جرمی که مرتکب نشده اند اعتراف کنند!](#)